

بناهای زرتشتی پس از تسخیر ایران توسط اعراب چاه جمکران و کانسویه (کیانسیه) در اوستا جواد مفرد کهلان، محقق تاریخ و اساطیر ایران از سوئد



معنی لفظی و تاریخچه جمکران و قُم

با توجه به آب انبار قدیمی روستای چَم یزد، نام روستای چم به معنی محل چاه آب "آشامیدنی" (چَم) به نظر می‌رسد. ظاهراً شکل معرب چم همان چَم است یا برعکس چم شکلی از همان چَم عربی (جای ژرف و پُر از آب) است که در قرآن نیز به معنی کثیر به کار رفته است: جماران (محل چَم آب، جای آب انبار) نیز دارای آب انباری به نام حصارک بوده است. گفته می‌شود مسجد جمکران (کنار آب انبار) هم یک حیاطی داشت و در وسط آن حیاط، یک آب انباری بود که سقف آن یک متر مرتفع تر از حیاط مسجد بود.

خود واژه مرکب «جمکران» در عربی را در ترکیب «چَم» (جای ژرف از آب) و کر-ان (کنده شده) که در این رابطه اصل به نظر می‌رسد، می‌توان به همان معنی آب انبار زیر زمینی گرفت.

مترادف چَم به صورتهای کوم و گوم مأخذ نام شهر آب انبار قدیمی قُم است:

कूम n. kUma pond

خود جمکران (آب انبار حفاری شده) به ظاهر به معنی اوستایی محل رفت و آمد کردن [گا-یم کردن] درک شده است. چَم (یم) و جیم و گا-یم اوستایی و سنسکریت به معنی رفت و آمد و رفتن به خانه هستند:

गय m. gaya house

यमन् n. yaman (yama) coming, going

مطابق کتاب خلاصه البلدان، «رایت وی [امام زمان] بر این کوه سفید بزند، به نزد «دهی کهن» که در جنب مسجد است و «قصری کهن» که قصر مجوس است و آن را جمکران (آب انبار زیر زمینی) خوانند از «زیر» یک مناره آن مسجد، بیرون آید، نزدیک آنجا که آتشیخانه گبران بوده است.»

کانس اویه (کیانسی، آب انبار مقدس)، محل سوشیانت، موعود زرتشتیان نیز همچون آب انبار مقدسی تصور میشده است:

खा f. khA (kan) fountain, a spring that has been dug up

खेय n. kheya[n] ditch

सूय n. sUya libation (a drink poured out as an offering to a deity.)

قم مرکز تجمع مغان و مسمغان کهن

آتشکده مزدجان (محل شخص بزرگ دانا [مسمغان]) و جمکران (محل چاه منجی موعود) و تراکم آتشکده ها در حوالی قم، دلیلی بر آن است که اینجا مرکز استقرار مغان در بین رغه (ری) و اصفهان بوده است. کتیبه های آشوری در این سمت از بیت باگای (شهر سرور معظم، مزدجان) و بیت گابای (معبد، گابه اصفهان) نام برده اند.

بفرمود عهد قم و اصفهان / نهاد بزرگان و جای مهان (فردوسی)

مؤلف تاریخ قم شهر جدید دوره اسلامی را در محل دهی به نام «ممجان» در جوار نقطه باستانی «شهرستان» میداند که در قرن سوم هجری تبدیل به شهر بزرگی گردید. ممجان تلخیص مسمغ گان (مهمغ گان، محل مغ بزرگ) به نظر می رسد. لذا ممجان (مه - مغان، محل بزرگ مغان) همان مزدجان کهن (مکان بزرگ دانا، بیت باگای باستانی) باید باشد.

مزدجان و قم (کمندان، محل آب انبار) در جوار هم دو بخش یک شهر بوده اند:

چون درباره بنای مزدجان در تاریخ قم - ص ۶۲ آمده: «خواجه مزده بر مزده خشم گرفت و گفت تو آنچ مشهور و معروف است بنام خود بنا کرده که آن مدینه و دیه است و جوی آب که به غیر از خواص کسی آن را نمی شناسد

و نمی داند به نام من باز خواننده و مزده را بدین سبب بگشت و نام مزده مملوک بر مزدجان افتاد در کتاب سیرالملوک به حجم آورده اند که باروی شهر قم و مزدجان بهران جور بنا کرد»

حسن قمی در تاریخ قم همچنین دربارهٔ مزدجان، ضمن نقل قول از ابن فقیه؛ از چگونگی ویرانی آتشکدهٔ آن در سال ۲۸۸ هجری می‌نویسد: «چنین گوید همدانی در کتاب خود که در دیه‌ای از دیه‌های قم، نام آن مزدجان [Mazdajan] آتشکده کهنه و دیرینه بوده است و در این آتشکده آتش آذرشنسف بوده است و این آتش از جمله آتش‌هایی بوده که مجوس در وصف و حق آن غلو کرده‌اند. پس همه اوقات بدین قریه این آتشکده بوده است تا آنگاه که بیرون ترکی امیر قم بدین دیه رسید و بر باروهای آنها منجنیق‌ها و عراده‌ها نصب کرد و آن را در سنه ثمان و ثمانین و مأتین بگرفت و فتح کرد و باروی آن خراب کرد و آتشکده را زیر و رو گردانید و آتش را بنشانند...»

وی در ادامهٔ روایت مربوط به وقایع فردجان (پردغان همدان) و مزدجان قم را در هم آمیخته و می‌نویسد: «و نیز گویند که مسلمانان در زمان خلافت عبدالملک بن مروان و والی و حاکم شدن حجاج بن یوسف بر عراقین، بر اهل این دیه خروج کردند و با ایشان محاربه کردند و این دیه را مسخر گردانیدند و در آتشکده بکنند و آن دو مصراع بودند از طلا و آن را برکنند و به پیش حجاج بردند و حجاج آن را به مکه فرستاد تا بر در کعبه در آویختند والله اعلم...»

مسجد جمکران؛ موقعیت مقدس پیشا اسلامی (از مزدک نامه، جمشید کیانفر)

در واقع جمکران از مراکز دینی زرتشتی در منطقه قم بوده و در پیش از اسلام دوازده آتشکده در محله‌ها و دروازه‌های آن روشن بوده است. چنانکه خواهیم دید در تاریخ قم از سدهٔ چهارم هجری آمده است: «بر در هر محلتی (محلات دوازده گانه) و دربی "آتش کده" بود.»

قم از نقاط باستانی ایران است و آثار متعددی از تپه‌ها و موقعیت‌های باستانی در این منطقه به دست آمده که قدمت آن را به هزاران سال پیش از اسلام می‌رساند. یکی از منابعی که به وضعیت قم در دورهٔ ساسانی و اوایل قرون اسلامی اشاره دارد، کتاب تاریخ قم است. این کتاب را حسن بن علی قمی در سدهٔ چهارم تألیف کرده است. وی در این کتاب از منابع قدیمی تر استفاده کرده است. این کتاب یکی از معتبرترین کتاب‌ها در تاریخ محلی ایران است.

در این کتاب به موقعیت های مقدس زرتشتی در قم اشاره شده است. در این میان دو موقعیت از همه اهمیت بیشتری دارد. یکی از آنها روستای دارای آتشکده "مزدجان" است و دیگری آبادی "جمکران" که در این کتاب از هر دو به عنوان آبادی های باستانی و قدیمه قم یاد شده است.

آتشکده های جمکران

قمی با استناد به منابع قدیمی تر بیان می کند که جمکران را حضرت سلیمان بنا کرده است، می دانیم که نسبت دادن ساخت مکان ها به سلیمان یا جمشید گواهی بر قدمت آنهاست. و الا چنان که قمی نقل می کند: «این روایت از خلافی خالی نیست سبب آنک بزدین ناحیت هیچ بنایی منسوب با سلیمان بن داود نیست و بزو باز نمی خوانند و العلم عندالله.»

همچنین در این کتاب آمده است: «و هم گویند که اولین مسجدی که بزدین ناحیت بنا نهادند پیش از آمدن عرب بزدین ناحیت - مسجد قریه جمکران بود و مردی از اهل اسلام نام خطاب اسدی که بزدین ناحیت افتاده بود آن را بنا کرده بود و در آن تنها نماز می گزارد.» (۱۱۰ و ۱۱۱)

اما آنچه به اهمیت مذهبی مربوط می شود اشاره قمی به آتشکده های متعدد جمکران است: «و جمکران از آن ماکین بوده است و خدای عزوجل او را پسری داد نام او جلین او در جمکران کوشکی بساخت و آن هنوز باقیست. و همچنین ده محلت و درب بنا کرد و بعد از آن دو محلت و درب با آن اضافت نمود، جناح مجموع دوازده باشند. و بر در هر محلتی و دربی آتش کده بود و باغی بنا نهاد و کنیزکان و بندکان خود را در آن ساکن کرد و فرزندان و اعقاب ایشان الی یومنا هذا در آن مساکن اند و بر یکدیگر افتخار می کنند.» (همان، ۱۸۴) وی همچنین از سرای موبدان در حوالی جمکران یاد کرده است. (همان، ۱۲۲)

همچنین در این کتاب درباره قلعه ای باستانی در کوهی مشرف بر جمکران آمده است: «و به جمکران کوهی است مشرف بر آن و آنرا ویشویه (وشنویه، کوه دارای آب، کوه خضرنبی) خوانند و بر آن قلعه است بلند کهنه قدیمی و صاحبش را نمی دانند و گویند که اسکندر آنرا بنا کرده است و آب را بر آن روانه کردانید.» (۱۸۳-۱۸۴)

نائینی اردستانی ضمن اشاره به این عبارت آورده است: «وشنویه کوهی با قلعه قدیمی مشرف بر جمکران در سال ۱۲۸۵ شمسی آن را «قر قلعه سی» می خوانند.» (نائینی اردستانی، ۴۴۰) می دانیم که عبارت قر قلعه سی در زبان ترکی به معنای قلعه دختر (در واقع به معنی قلعه تاقدار) است. با توجه به اینکه دختر یا دختران در نامگذاری ها مربوط به وجود چشمه در آن ناحیه است و لفظ دختر نیز با توجه به قراین و شواهد متعدد بازتابی از ناهید ایزد آنها

در فرهنگ زرتشتی است، بنا بر این ممکن است این کوه نیز یکی از مکان های مقدس پیش از اسلام باشد. وجود آثار قدیمی و روان بودن آب از آن قلعه و نسبت آن به اسکندر که در افسانه های ایرانی و اسلامی با آب حیات مربوط است این امر را تأیید می کند.

منابع

- قمی، حسن بن محمد (قرن ۴ هـ)، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۳۸۵
- نائینی اردستانی، محمدعلی، انوارالمشعشعین فی بیان شرافت قم و القمیین، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، ج ۱، قم کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۱
- خان محمدی، کریم، محمدرضا انواری، "چاه عریضه مسجد جمکران از خرافه تا واقعیت"، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۱، ۱۵۷-۲۰۰